

شیوه‌های مبادله و تجارت در جوامع نوسنگی ایران

اکبر پورفرج*

(تاریخ دریافت: 93/6/22، تاریخ پذیرش: 93/10/15)

چکیده

مبادله و تجارت در پیش‌رفت جوامع بشری نقشی بسیار مهم داشته است. مبادله محصول تولید است و تولید برای اولین بار در دوره نوسنگی خاور نزدیک، به مرکزیت ایران، مفهوم واقعی یافته؛ بنابراین مبادله و تجارت از این دوره آغاز شده است. گوردون چایلند در بیان مراحل توسعه اجتماعی و اقتصادی تمام جوامع انسانی، سه انقلاب را شناسایی کرده است: 1. انقلاب تولید غذا که همان دوره نوسنگی خاور نزدیک و ایران است؛ 2. انقلاب شهرنشینی که همان عصر مفرغ خاور نزدیک و ایران است؛ 3. انقلاب صنعتی که در اروپا رخ داده است. در این مقاله، بر انقلاب تولید غذا متمرکز خواهیم شد که آغاز کشاورزی و دام‌داری است و به تبیین این موضوعات می‌پردازیم: 1. معرفی دوره نوسنگی ایران با رویکرد اقتصادی؛ 2. تبیین نظریه‌های معروف مبادله و تجارت در پیش از تاریخ؛ 3. استخراج شیوه‌های رایج مبادله و تجارت و تطبیق یافته‌های دوره نوسنگی و مس سنگی ایران با شیوه‌های یادشده؛ 4. تحلیل و تبیین قدیمی‌ترین ماده تجاری جهان یعنی افسیدین براساس یافته‌های باستان‌شناسی ایران؛

*a.pourfaraj@gmail.com

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

5. بررسی اولین اشیای شمارشی و مهرهای تجاری در محوطه‌هایی مانند سیلک کاشان و گوی‌تپه آذربایجان غربی.

واژه‌های کلیدی: مبادله و تجارت، نوسنگی و مس سنگی، باستان‌شناسی، ایران.

1. مقدمه

اگر با نگاهی علمی درمورد مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی جست‌وجو کنیم، درمی‌یابیم که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، کمترین مطالعات در حوزه تاریخ اقتصاد و به‌ویژه تاریخ تجارت صورت گرفته است. در اهمیت این مسئله همین بس که در بیشتر علوم اجتماعی، موضوع علم اقتصاد و تأثیر مبادله و تجارت در دیگر موضوعات زندگی بشر از مفاهیم بنیادی بوده و بدون درک آن‌ها، فهم ماهیت رفتار انسان با خدا و طبیعت و خودش تفکیک‌ناپذیر است. آنچه بیشتر از همه در مطالعات حوزه اقتصاد و تجارت از آن غفلت شده، یافته‌های باستان‌شناسی مرتبط با ابداع‌کنندگان تجارت در ایران بوده است. نظام اقتصادی تبلور بخشی از فرهنگ هر گروه یا ملت است که با توجه به نوع معیشت و میزان آشنا بودن آن‌ها با فناوری‌های خاص زیستی و شرایط محیطی ایجاد می‌شود.

علم اقتصاد¹ یکی از علوم اجتماعی است که به تحلیل تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد. واژه ایکونومیکس نیز از کلمه لاتین اُیکُنَمیکا به معنای مدیریت خانوار اقتباس شده است (فدیر، 1373: 8) و اولین بار ارسطو درباره مفهوم آن شرح داده است.

2. عصر نوسنگی² (تولید غذا)

امروزه، کلمه تولید به‌قدری در درک فرایند توسعه ملت اهمیت دارد که شاخص توسعه‌یافتگی به‌شمار می‌آید. در حوزه خارج از باستان‌شناسی، کمتر به این مسائل پرداخته شده است: اولین مردمان آغازکننده تولید چه کسانی بودند، در کجا زندگی می‌کردند و چرا برخی ملت‌های جهان تا قبل از انقلاب صنعتی به آن دست نیافته بودند؟ انسان‌های دوره نوسنگی ایران (در حدود نه هزار سال قبل) نخستین تولیدکنندگان بودند. در نتیجه تجربیاتی که انسان در دوران جمع‌آوری غذا و شکار کسب کرد، به تدریج با کاشت گیاهان و تیمار رمه‌ها آشنا شد.

تأثیر این دوره در زندگی بشر به قدری بود که گوردون چایلد (1892-1957م) آن را انقلاب تولید غذا نامید.

گوردون چایلد برای تمام دوره‌های زندگی اجتماعی بشر سه تحول انقلاب‌گونه قائل شد که دو انقلاب در خاور نزدیک به مرکزیت ایران و انقلاب سوم در اروپا به مرکزیت انگلیس رخ داد. این انقلاب‌ها عبارت‌اند از: انقلاب تولید غذا، انقلاب شهرنشینی و انقلاب صنعتی. چایلد (1357) این انقلاب‌ها را با انقلاب صنعتی انگلیس مقایسه می‌کرد و هر سه را نشان‌دهنده رابطه «صعودی در منحنی جمعیت» می‌دانست.

در نگاه چایلد، انقلاب نوسنگی (انقلاب تولید غذا) فرایندی کیفی بود که زندگی مبتنی بر شکار و جمع‌آوری غذای دوران پارینه‌سنگی را تغییر داد.

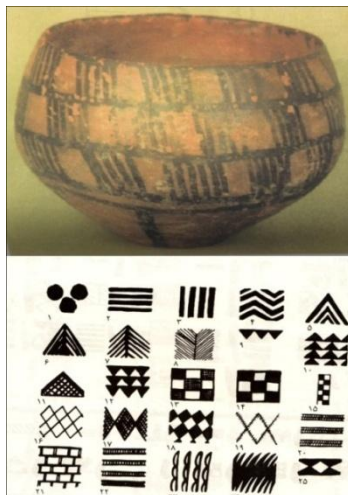
اولین انقلابی که اقتصاد بشر را دگرگون کرد، به او اجازه داد تا نحوه فراهم کردن غذای خود را تحت کنترل درآورد. بشر کشت و زرع را آغاز کرد و با انتخاب گیاهان، ریشه‌ها و درختان خوردنی، شرایط زندگی را بهتر کرد. او موفق به رام کردن گونه‌های خاصی از حیوانات شد و در ازای خوراکی که به حیوان می‌داد و مراقبتی که از او به عمل می‌آورد، توانست از آن‌ها سود بجوید. این دو گام بسیار به هم مرتبط‌اند (همان).

محوطه‌های معروف نوسنگی در ایران بیشتر در دامنه‌های زاگرس و البرز ایران متمرکز شده بودند که در آن‌ها کشاورزی دیم امکان‌پذیر بود (ر.ک: ملک شه‌میرزادی، 1378). آن‌ها در خانه‌هایی ساخته‌شده از خشت خام، چادرها یا پناهگاه‌های چوبی زندگی می‌کردند و دام‌های خود را در آغل³ نگه می‌داشتند. در این دروه، اجساد را معمولاً زیر کف منازل مسکونی دفن می‌کردند. معمولاً ابزارهای مورد استفاده برای دروی محصولات، قصابی و غیره را از سنگ چخماق، و سنگ‌های آسیاب، هاون‌ها و دسته‌هاون‌ها را از سنگ آهک درست می‌کردند. در دوره بعد یعنی کالکولیتیک (مس سنگی)، از مس خالص طبیعی فلات مرکزی ایران، به‌روش چکش‌کاری، سنجاق و مهره تولید می‌کردند. افسیدین را از آناتولی مرکزی، فیروزه را از افغانستان و صدف را از خلیج فارس تأمین می‌کردند که حاکی از روابط اقتصادی، تجاری یا مفاهیم دیگر است (هول، 1381).

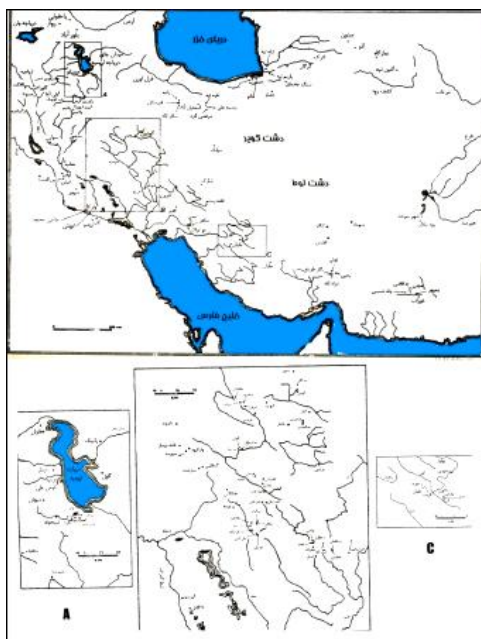


شکل 1 نمونه باستانی از تپه‌سنگ چخماق شاهرود دامغان

در حدود اواسط دوران نوسنگی، انسان خلاقیت تکنولوژیکی خود را نشان داد و موفق شد وسیله‌ای تولید کند که تا قبل از آن به صورت معمولی در طبیعت وجود نداشت و آن، تولید سفال بود. قدیمی‌ترین سفال‌های دوران نوسنگی در ایران از نواحی مختلفی مانند غار هوتو در بهشهر، تپه علی‌کش در خوزستان، تپه‌های گنج‌دره و سراب کرمانشاه، تپه حاجی‌فیروز در دره سولدوز آذربایجان و تپه سنگ چخماق شاهرود به دست آمده‌اند. سنت استفاده گسترده از ظروف سفالین منقوش در بیشتر مناطق ایران از حدود 6500 ق.م شروع می‌شود. در این زمان، نقوش هندسی، نقش‌مایه‌های ترجیحی سفالگران بوده است (ر.ک: گیرشمن، 1379؛ ملک شمیرزادی، 1374؛ طلایی، 1387: 31).



شکل 2 ظروف سفالین و نقوش متنوع روی آن‌ها، دوره نوسنگی از تپه زاغه قزوین



شکل 3 پراکندگی محوطه‌های دوره نوسنگی در ایران

3. اقتصاد و تجارت براساس نظریه‌ها

در سال‌های اخیر، مطالعه درباره مبادله و تجارت براساس اصول مکتب فکری ذات‌گرایان⁴ و صورت‌گرایان⁵ انجام می‌شود. گروه اول دانشمندانی هستند که به پیروی از نظریات کارل پولانی (2001)، انسان‌شناس آمریکایی، مبنای مطالعات خود را براساس داده‌های باستان‌شناسی و انسان‌شناسی قرار داده‌اند. این مکتب بحث مبادله هدیه‌ای گذشته را درمقابل بحث منفعت‌طلبی اقتصادهای سرمایه‌داری مدرن مطرح کرد که مربوط به صورت‌گرایان بود. ذات‌گرایان ادعا می‌کردند استفاده از عرضه و تقاضا جهت تثبیت قیمت تا قرن چهارم قبل از میلاد یونان⁶ وجود نداشته و ماهیت نظام منفعت‌طلب بازارگرا با بازارهای دارای قیمت ثابت اساساً تا قبل از انقلاب صنعتی قرن هجدهم و نوزدهم دیده نشده است. به اعتقاد آن‌ها، مردم جوامع قدیمی‌تر اقتصاد غیربازاری داشتند؛ زیرا مبادله کالا عملی اجتماعی و هدف از آن، ایجاد روابط اجتماعی بوده که موجب اعطای پرستیژ و همچنین کسب کالای مطلوب می‌شده و فقط کسب سود مادی از فروش کالاها مورد نظر نبوده است. عرضه و تقاضا فقط نقش تثبیت قیمت را نداشت.

اما صورت‌گرایان که به شاخه اصلی نظریه اقتصادی و سنت آدام اسمیت وابسته بودند، اعتقاد داشتند اگر مفاهیم رسمی نظریه اقتصادی بسط داده شود، می‌توان از طریق آن دیگر نظام‌های اقتصادی غیربازاری را نیز تحلیل کرد. آن‌ها بر این باور بودند که در جوامع غیربازاری شاید منفعت مستقیماً مادی نباشد؛ ولی در مفهومی گسترده از منفعت، می‌توان گفت منفعت حداکثر افزایش چیزهای محدود و کمیاب است و لزوماً پول یا دارایی‌های مادی نیست؛ بلکه کسی که در پی حیثیت است، در جست‌وجوی استفاده حداکثری از مزیتی است که جامعه‌اش می‌خواهد؛ پس این هم نوعی منفعت است (بییتس و پلاگ، 1387؛ Smith, 2009). البته، کارل پولانی (2001) معتقد بود در نظام‌های اقتصادی قبل از انقلاب صنعتی، نهاد اقتصاد بخش جداناپذیر جامعه بوده و حتی مستقل از بخش‌های دیگر نمی‌توانست تداوم یابد؛ ولی در اقتصاد بازاری غرب، نهاد اقتصاد داخل جامعه تعبیه شده و گاه با ارزش‌ها و عرف فرهنگی جامعه بیگانه بود.

3-1. قلمروهای نظام اقتصادی

جدای از اختلاف‌نظرهای ذات‌گرایان و صورت‌گرایان، درمورد چگونگی توصیف نظام اقتصادی اشتراکات زیادی میان علوم مختلف است. نظام اقتصادی یکی از اصلی‌ترین و شاید قدیمی‌ترین تجربه بشر بدون فناوری در سازگاری با محیط بسیار سخت و قدرتمند طبیعت بوده است. هر نظام اقتصادی قلمروهایی دارد که از طریق آن‌ها تعریف و تبیین شده، جریان اقتصادی در قالب آن‌ها سیال می‌شود. این قلمروها را در سه حوزه می‌توان بررسی کرد:

3-1-1. منابع و چگونگی دسترسی به آن‌ها

منابع درحد رفع نیازهای اولیه بشر به‌طور بالقوه در تمام سرزمین‌ها وجود دارند؛ ولی چگونگی شناسایی و استفاده از آن‌ها به فرهنگ، سطح پیشرفت و میزان توسعه‌یافتگی جوامع بستگی دارد. بسیاری از منابع امروزی که گاه زندگی را بدون آن‌ها نمی‌توان تصور کرد، برای گذشتگان مفهوم نداشته است. براساس همین مسئله، بسیاری از روش‌های ساده از نظر انسان امروزی، برای انسان گذشته ناشناخته مانده است. درمورد منابع، مالکیت و چگونگی استفاده از آن‌ها در دوره نوسنگی ایران مطالب زیادی می‌توان بیان کرد که از حوصله این مقاله خارج است (علیزاده، 1375؛ Pullar, 1990).

3-1-2. تولید

اولین بار بشر در خاور نزدیک به مرکزیت ایران (بریدوود، 1363) توانست از مرحله صرفاً مصرف‌کنندگی به مرحله تولید و اقتصاد کشاورزی و دام‌داری روی آورد. در جوامع سنتی، تولید در مقام نخست، برای خانواده و احتمالاً همسایگان انجام می‌گرفت. در دوره پیش از مفرغ، هدف از تولید و مازاد محصول، بیشتر رفع نیازهای خود و مبادله با روستاهای هم‌جوار برای کالاهایی بود که در روستا تولید نمی‌شد.

بنابراین، تولید به معنای رفع نیازهای اساسی بشر تا قبل از دوره نوسنگی ایران اصلاً معنا نداشت. درباره شروع اقتصاد مبتنی بر تولید باید گفت این نظام تولیدی از ابداعات بشر این دوره بود و آن را باید در کنار واژه دیگری به نام «اهلیگری» شرح داد. در دوران نوسنگی و مس سنگی، تولید متکی بر تولید خانوادگی بود و فعالیت‌های اقتصادی بخشی جداناپذیر از

دیگر بخش‌های اجتماعی به‌شمار می‌رفت. امروزه نیز در بسیاری از روستاها جشن خرمن و بسیاری از مراسم مرتبط با آن و شریک شدن تمام اعضای خانواده در کار تولید (مثلاً برداشت عدس) مشاهده می‌شود که شبیه به انتقال زندگی خانوادگی با تمام کلیتش به محیط بیرونی است. روی سفال‌های دوران مس سنگی معمولاً نقوش انسان‌هایی را در حال رقص‌های مرتبط با جشن خرمن شاهد هستیم.



شکل 4 نقوش روی سفال‌های دوره مس سنگی ایران: 1. موش اولان‌تپه شهریار، 2-9. سیلک کاشان، 10. محوطه جعفرآباد شوش

3-1-3. مبادله و تجارت

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نظام اقتصادی، مبادله و تجارت است که خود محصول «منابع و چگونگی دسترسی به آن‌ها» و «تولید» است. همه انسان‌ها همواره از بدو تولد تا مرگ در حال مبادله هستند. با نگاهی عمیق‌تر می‌توان گفت رابطه انسان با خدا نیز حالت مبادله‌ای دارد که نتیجه آن پاداش، مهر و کرم از جانب او و رضایت او از ماست. امروز، با کمی تأمل در اشیای

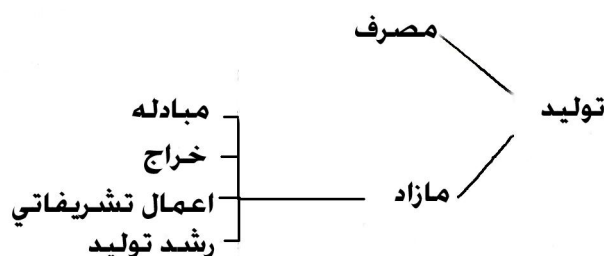
پیرامون و حتی موضوعات و مفاهیم مورد استفاده‌مان درمی‌یابیم زندگی معاصر به شدت تحت تأثیر اشاعه فرهنگی است که از مجاری مبادله و تجارت وارد زندگی شخصی شده است.

1-3-1-3. مبادله⁷ و انواع آن

مبادله شکلی از معاوضه و معامله بین افراد و گروه‌هاست که می‌توان آن را دادوستد⁸ چیزی با دیگری تعریف کرد. مبادله شامل کالاهای، خدمات یا دیگر اقسام و رفتارهای ناملموس است. پس در تعریفی عمل‌کردی، مبادله عبارت است از: نظامی که انتقال کالا و خدمات را بین مردم یا جوامع گسترش می‌دهد. اصطلاح تجارت ممکن است شبیه به همین معنا استفاده شود؛ ولی واژه تجارت اغلب در ارتباط با روابط اقتصادی بسیار منسجم و رسمی‌تری به کار می‌رود و خود بخشی از مبادله است و بیشتر میان‌فرهنگی است.

مبادله را می‌توان به موتوری تشبیه کرد که چرخه حیات کالا را تا مصرف آن در نظام اقتصادی به پیش می‌راند. بنابراین، مبادله یک عمل متقابل است، اما صفت متقابل همیشه در مورد اشاعه کالاهای یک گروه در حوزه گروه دیگر صدق نمی‌کند؛ زیرا انتقال کالاهای ممکن است از راه‌های دیگری مانند غارت، غنایم جنگی و غیره باشد که در آن صورت، جزئی از مبادله به شمار نمی‌آید. تاریخ بشر مملو از انواع مبادلات متقابل است که مهم‌ترین آن‌ها، هدیه‌دهی، پایاپای و تجارت است (Smith, 2009).

در نظام‌های اقتصادی مبادله‌ای، مردم گاهی تمام منابع طبیعی و تولیداتشان را برای مبادله به کار می‌گیرند. در برخی جوامع، کالاهای خاصی برای نوع ویژه‌ای از مبادله به کار می‌رود (مثلاً در برخی جوامع جزایر اقیانوسیه، از صدف‌های کم‌یاب فقط برای پرداخت شیربهای عروس استفاده می‌کنند). باستان‌شناسان این قبیل اجناس را کالاهای شأن‌زا می‌خوانند. بعضی نظام‌های اقتصادی بر محور دادوستد کالاهای شأن‌زا سازمان می‌یابد (دارک، 1379: 153).



شکل 5 مراحل شکل‌گیری مبادله و تجارت

برپایه یافته‌های باستان‌شناسی، کالاهای شأن‌زا مانند اشیای ساخته‌شده از طلا، سنگ ابسیدین، سفال و غیره که از راه مبادله وارد بافت‌های فرهنگی شده‌اند، به‌دلیل اینکه در ساخت و حتی در مالکیت آن‌ها کار، مهارت و هزینه بیشتری صرف شده، دارای ارزش زیادی نیز هستند. در نتیجه، بین فاصله منبع و ارزش هم‌بستگی معناداری فرض شده است. برای مثال، ابسیدین در استخراج و ساخت تیغه‌ها، چاقوها و به‌ویژه مسافت طولانی انتقال، نیازمند کار فراوان بوده است. براساس مطالعات، ارزش ابسیدین‌هایی که از مسافت‌های طولانی تأمین می‌شوند، در مقایسه با نمونه‌های نزدیک‌تر بیشتر بوده است (Hughes, 1978). بنابراین، اشیای از طریق مبادله، دارای پایگاه اجتماعی خارجی می‌شدند که آن‌ها را از نمونه‌های بومی متمایز می‌کرد.

کارل پولانی (1977) سه نوع مکانیزمی را که مشخص‌کننده انواع مبادله است، بیان کرده که تا امروز دارای اعتبار بوده است. البته، پولانی منظور از دو مکانیزم اول و دوم را بیشتر نه در مفهوم مبادله اقتصادی، بلکه به‌عنوان رفتارهای اجتماعی تلقی کرده که بار اخلاقی و اجتماعی آن‌ها بیش از جنبه اقتصادی‌شان است. به‌نظر پولانی، این سه نوع اقتصاد نباید به‌مثابه سه مرحله از یک تحول پیش‌بینی‌شده در نظر گرفته شوند؛ بلکه می‌توانند به‌طور کامل در یک نظام اقتصادی و اجتماعی در کنار هم قرار گیرند (Godelier, 1984; Polanyi & Arensberg, 1975). براساس نظر پولانی درباره اقتصاد هخامنشیان، می‌توان گفت در مناطق روستایی ایران نظام مبادله متقابل و پایاپای، در مناطق نزدیک به مراکز قدرت توزیع مجدد و در مناطق

یونانی‌نشین، بین‌النهرین و جنوب غرب ایران نظام بازاری مبتنی بر شگل یا پول وجود داشته است.

الف. مبادله متقابل⁹

مبادله متقابل که با عنوان همیاری¹⁰ نیز در ایران مصطلح شده، شامل معاملاتی است که در میان مردم دارای اشتراکات فرهنگی زیاد دیده می‌شود. این نوع تبادل قدمتی برابر با عمر بشر دارد و حتی در عالم غیرانسانی نیز دیده می‌شود. تبادل متقابل هم به صورت داخلی و هم به صورت خارجی در گروه‌های فرهنگی هم‌رتبه و آشنا انجام می‌گیرد. در تبادل متقابل، کالاها میان فرد یا دو گروه عرضه می‌شود و جنبه‌های اجتماعی آن بر جنبه‌های اقتصادی‌اش برتری دارد. حتی در این نوع بافت، ازدواج هم نوعی مبادله به‌شمار می‌آید. در این نوع، مبادله فاقد نظام بازار بوده و قانون عرضه و تقاضا بر جامعه حاکم نبوده است. مبادله متقابل که از نظر ما هدیه دادن یکی از انواع آن است، از طریق اشیای تقریباً هم‌ارزش انجام، و موجب تقویت روابط انسانی می‌شده است.

انواع مبادله متقابل: مارشال ساهلینز، انسان‌شناس آمریکایی، سه نوع مبادله متقابل را تشخیص داد (Renfrew & Bahn, 2008): 1. مبادله متقابل نامحدود؛ 2. مبادله متقابل متوازن؛ 3. مبادله متقابل منفی.

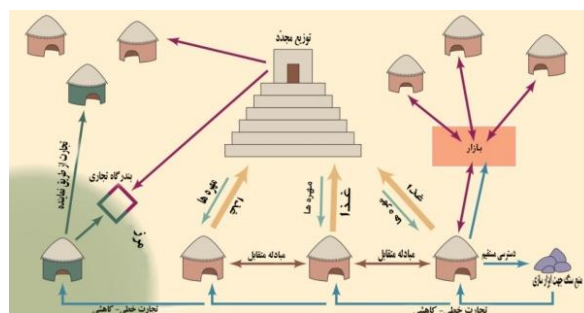
ب. توزیع مجدد¹¹

پولانی (2001) معتقد است که در توزیع مجدد، ابتدا اشیاء و کالاها از درون گروه جمع‌آوری و به‌سوی یک مرکز حمل می‌شوند و سپس از آنجا براساس ارزش‌های اجتماعی حاکم یا تصمیم‌های فرد آگاه، به‌دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. گاهی نظام حاکم سیستم، کالاها را ذخیره می‌کند و در مواقع ضروری و استراتژیک از آن‌ها بهره می‌برد. این‌گونه فعالیت‌ها در تشکیلات اجتماعی‌ای تحقق می‌یابند که در جمع‌آوری خراج‌ها و تدارکات متنوع از واحدهای تولید، دارای اقتداری مرکزی هستند. قدرت مرکزی بلافاصله پس از کسر بخشی از این دریافت‌ها، باقی‌مانده را به گروه‌های دیگر می‌دهد. این جوامع با سلسله‌مراتب، کاستی‌ها و طبقات هستند و از یک رئیس یا دولت فرمان‌برداری می‌کنند؛ از همین‌رو در دوره نوسنگی

ممکن نبود وجود داشته باشد؛ زیرا مستلزم وجود جامعه خان‌سالار است که از مشخصات انقلاب شهرنشینی ایران به‌شمار می‌رود.

ج. مبادله بازاری¹²

چنان‌که گفته شد، پولانی به‌دلیل اینکه اقتصاد مردمان نخستین را بسیار متفاوت با اقتصاد بازاری می‌دانست، اولی را فعالیتی اجتماعی و دومی را مستقل از نهادهای اجتماعی به‌شمار می‌آورد. پولانی (2001) اقتصاد بازاری را به‌طور ضمنی، سیستم خودگردان بازار تعریف کرده است. در تعریف فنی دیگری نیز گفته است اقتصادی است که به‌وسیله قیمت‌های بازار اداره می‌شود و آن چیزی نیست جز قیمت‌های بازاری. چنین اقتصادی بدون کمک گرفتن از خارج نمی‌تواند دوام بیاورد. در تاریخ بشر، هیچ جامعه‌ای وجود نداشت که اصول اقتصادش به‌وسیله بازارها کنترل شود. پولانی حتی از اقتصادهایی که گفته می‌شود دارای مکان بازار بوده، نیز یاد می‌کند و معتقد است آن‌ها در اقتصاد روزمره مردم نقش فرعی داشته‌اند. بحث اقتصاد بازاری را می‌توان در دوره مفرغ ایران مطرح کرد؛ ولی دوره نوسنگی از پایه‌های آغازین آن به‌شمار می‌آید.

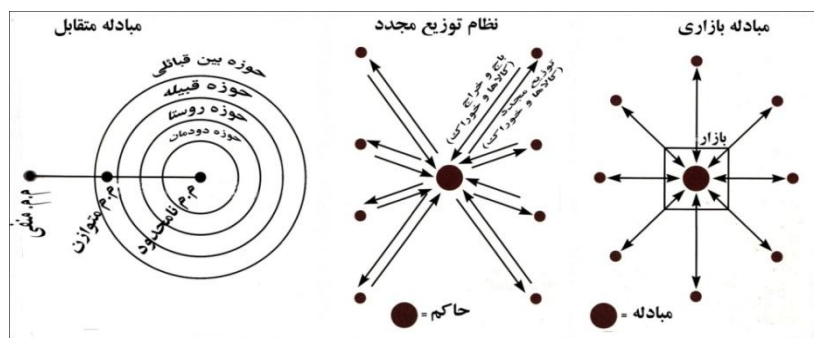


شکل 6 شیوه‌های گوناگون مبادله

ج - 1. تجارت

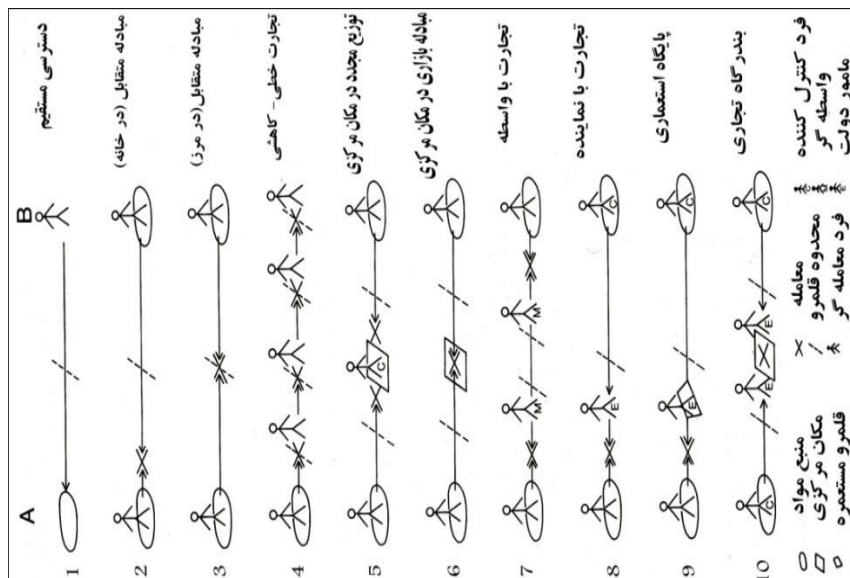
دهخدا تجارت را مترادف خرید و فروش، بده‌بستان و دادوستد می‌داند که معنای لغوی آن انتقال دادن اشیا و کالاها به محل دیگر است. تجارت در اصطلاح، به مبادلاتی اطلاق می‌شود که از راه عقد پیمان خرید و فروش و غیره انجام پذیرد. در زبان انگلیسی قدیم نیز، واژه تجارت

(trade) به معنای path یعنی راه یا جاده سنگ‌فرش شده است که بیان می‌کند تجارت عنصری اجتماعی و غیربومی است و با جاده ارتباط دارد (Dillian & White, 2010). باستان‌شناسان اغلب مبادله و تعامل را از راه مواد خارجی مطالعه می‌کنند. وجود مواد یا اشیائی که در محل تولید نشده، بیانگر روابط خارجی است. بنابراین، در داده‌های باستان‌شناسی، فهم موضوعات و اقلام تجاری از مبادلات درون‌گروهی و میان‌گروهی و حتی منطقه‌ای آسان است. هوپر تجارت را شکل توسعه‌یافته مبادله متقابل می‌داند که با استفاده از وسایل مورد قبول جوامع مختلف مانند فلزات گرانبه در قالب ژتون یا پول انجام می‌گرفت (Moller, 2000). الگوهای مبادله و تجارت که شرح داده شد، در شکل‌های ذیل به صورت شماتیک مشخص شده است.



شکل 7 الگوها و شیوه‌های مبادلاتی (م.م = مبادله متقابل)

رنفریو دست‌کم ده نوع ارتباط اقتصادی میان اقوام را تشخیص داده که از مرحله ساده ارتباط میان افراد تا انجام امور تجاری به وسیله تاجران حرفه‌ای متفاوت است (Renfrew & Bahn, 2008). مبادله بین جوامع را با دو مکان «الف» و «ب» و با در نظر گرفتن حالت‌های مختلفی از شیوه‌های مبادلاتی به صورت شماتیک ترسیم کرده‌اند:



شکل 8 انواع مبادله و چگونگی انجام آن‌ها

4. نوسنگی ایران، مقدمه مبادله پایاپای و تجارت

رابطه بین شدت کار با تعداد اعضای خانواده غیرمولد در نظام تولیدی خانوادگی مسئله‌ای مهم است که در شکل‌گیری تجارت هم بسیار اهمیت دارد؛ یعنی هرچه تعداد افراد دارای شرایط کار بیشتر از افراد غیرمولد باشد، خانواده کمتر در تنگنا خواهد بود و برعکس. داده‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد بین افزایش جمعیت و مازاد محصول رابطه معناداری وجود دارد و مازاد محصول نیز بر پیشرفت‌های بعد از دوره نوسنگی اثری عمیق داشته است. بیشتر باستان‌شناسان اعتقاد دارند آغاز کشاورزی و پرورش گیاهان، و اهلی کردن حیوانات نقطه عطفی در اقتصاد انسان بود. از دوره نوسنگی، شاهد مازاد محصول کشاورزی و دامی هستیم. این مازاد می‌توانست نیازهای نظام پیچیده مبادلاتی مردمی را که در تولید نقشی نداشتند، پاسخ دهد.

5. نقش مازاد تولید در شروع مبادله پایاپای و تجارت

نیازهای انسان بی‌کران و نامحدود است؛ درحالی که شیوه‌های اقناع این نیازها محدود و کامل‌شدنی است.¹³ پیش‌رفت تکنولوژیکی انگیزه تولید را در جوامع نوع اشتراکی (مانند پارینه‌سنگی و تاحدودی اوایل نوسنگی) فراهم آورد. با افزایش کارایی ابزارها، مازاد محصول نیز بیشتر شد و مازاد به مبادله انجامید و توسعه مبادله به تولید تجاری منجر شد که فراتر از تولید معیشتی بود. در برخی جوامع، محصولات هم برای مصارف خانگی و هم برای بازار تولید می‌شوند؛ برای مثال پنبه محصول تجاری و انگور برای مصرف خانگی است.

برخی معتقدند جامعه‌ای که به شکل خودمعیشتی (تولید = مصرف) عمل کند، وجود ندارد (دوپویی، 1385: 53)؛ زیرا اول اینکه، این گونه اقتصادها به هیچ وجه به تولید کالاهای معیشتی محدود نمی‌شوند و دوم اینکه، گونه‌های متعدد مبادله در بین و درون گروه‌ها، کاملاً اثبات شده است (Godelier, 1973). دیدگاه خودکفایی (تولید < مصرف) به مثابه اصلی که تولید را در حد گذران زندگی تلقی می‌کند، هرگز مبادلات و تولید مازاد را نفی نمی‌کند و این دیدگاه در نظام‌های اقتصادی ابتدایی و روستایی کاربرد دارد (دوپویی، 1385: 50). مازاد، هرچه که باشد، اهرمی قوی برای کسب حیثیت و در نتیجه قدرت سیاسی است که صرف گسترش استعدادها، تولیدی یا رفتارهای خودنمایانه، جشن‌ها، تشریفات یا موارد دیگر می‌شود (همان، 53).

6. مبادله و تجارت در دوران نوسنگی و مس سنگی ایران

المن سرویس (1962)، انسان‌شناس آمریکایی، سیر تحول جوامع بشری از ساده تا مرکب را با عناوینی مانند دسته‌ای، قبیله‌ای، خان‌سالار و شهرنشین دسته‌بندی کرده است (دماریس، 1390). مشخصات دوره نوسنگی ایران با جامعه قبیله‌ای مورد نظر کاملاً همخوانی دارد؛ با این تفاوت که جامعه این دوران با حرکتی تدریجی به طرف جوامع خان‌سالار پیش رفته است.

نشانه‌هایی از مبادله اشیای ارزشمندی مانند افسیدین، صدف و... در دوره فراپارینه‌سنگی و احتمالاً پارینه‌سنگی جدید دیده می‌شود؛ اما سیر تحول معنادار مبادله و تجارت را می‌توان از دوره نوسنگی ایران جست‌وجو کرد؛ زیرا تحلیل اشیای غیربومی در محوطه‌های ادوار پارینه‌سنگی و فراپارینه‌سنگی به دلیل ماهیت غیریکجانشینی آن‌ها، سخت است.



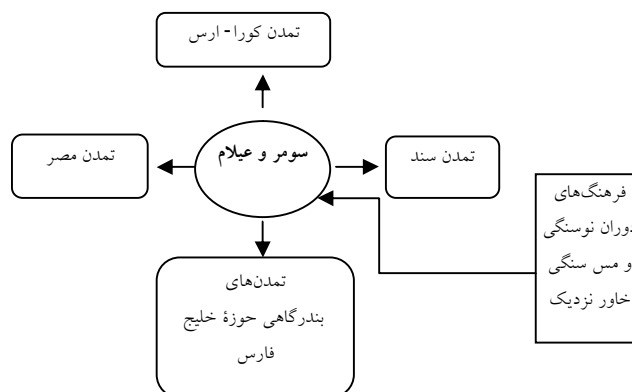
شکل 9 مهره‌های گردن‌بند از سنگ مرمر، صدف و صدف نوع خلیج فارس از دوره مس سنگی
تپه ارسطوی شهریار تهران

ظهور جامعه دام‌دار را که محصولات لبنی، گوشت و چرم را به کشاورزان عرضه می‌کرد، بایست از انگیزه‌های اصلی تجارت به‌شمار آورد. در آن دوران، جوامع براساس محتوای آیینی مبادله می‌کردند. پیوستگی اجتماعی بیش از انگیزه منفعت‌جویی و هزینه اهمیت داشت. محصولات با اهدافی مختلف عرضه می‌شد و درجه اهمیتشان با میزان انتشارشان تغییر می‌کرد. تیرهای سنگی که از سنگ غیربومی ساخته و به‌عنوان نذری به معبد سپرده می‌شد، پس از مدتی شیء آیینی به‌شمار آمد. شاید تجارت در مکانی مشخص که در آن غریبه‌ها با رفتار سودجویانه خود حضور دارند، در دوره نوسنگی نیز مانند هفته‌بازارهای امروزی وجود داشته است؛ ولی احتمال وجود آن در جوامع نوسنگی که از جامعه دسته‌ای پارینه‌سنگی تازه رهایی یافته بودند، غیرممکن به‌نظر می‌رسد. چگونگی رفتار با مردمان دیگری که روابط رسمی بینشان برقرار نیست، نیازمند ضمانت‌های امنیتی خاصی بوده است که وجود آن در جوامع نوسنگی بسیار بعید به‌نظر می‌رسد. وجود کالاها و ابزارهایی با منشأ خارجی مانند فیروزه، عقیق، ابسیدین و ظروف سفالین خاص در اکثر محوطه‌های ایران نشان‌دهنده روابط تجاری در این دوره است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود در زمینه تأیید وجود یا نبود این روابط تجاری نیست؛ بلکه درباره نوع و چگونگی انجام این مبادله برون‌منطقه‌ای و تجارت است.

مبادلات بین منطقه‌ای و بعد از آن مبادلات فرامنطقه‌ای دوران نوسنگی و مس سنگی، باعث تأثیر و تأثر مناطق مختلف شد که درنهایت، در خاور نزدیک و ایران موجب پدید آمدن تمدن‌های مهمی شد که سومر و عیلام یکی از آنها بود. این تمدن‌های اصیل پس از رشد و شکوفایی، فرهنگ‌های مستعد پیرامون خود را نیز از طریق مبادلات تجاری بارور کردند. این تمدن‌ها با ایجاد راه‌های

شیوه‌های مبادله و تجارت در جوامع نوسنگی ... اکبر پورفرج

تجاری، مواد خام مورد نیاز خود را از طریق مناطق اطراف تأمین می‌کردند و مصنوعات خود را به مناطق دیگر می‌فرستادند. علاوه بر این، مبادله میان جوامع باعث ایجاد و گسترش ارتباطات میان آن‌ها شد و در نتیجه افکار، عقاید و رسوم جوامع با هم پیوند یافت.



شکل 10 تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک

به مرور زمان، در پی موفقیت کشاورزان، مازاد غذایی گسترش یافت و شیوه‌های جدید به دست آوردن کالاها و خدمات مورد نیاز، یعنی نظام‌های جدید مبادلات اقتصادی، پدید آمد. بنابراین، برخی از کارهای صنعتی و تولیدی ابتدایی در روستایی که زودتر از دیگر روستاها به مازاد محصول و ثروت دست یافته بود، شتاب گرفت و روابط آن با روستاهای اطراف تغییر کرد. این روستای شاخص مسئول توزیع محصولات اختصاصی به روستاهای کوچک‌تر شد و آن‌ها نیز محصولات و تولیدات غذایی خود را به روستای بزرگ‌تر ارسال کردند و به تدریج، آن روستای بزرگ و ثروتمند در سرزمین‌های اطراف خود نقش مرکزی یافت (سید سجادی، 1384: 64). نظریه مکان مرکزی که اولین بار دانشمند آلمانی، کریستالر، مطرح کرد، در بسیاری از دوره‌های باستان‌شناسی ایران جایگاهی ویژه دارد.

ساختار اجتماعی، یافته‌های صنعتی و بافت معماری روستاهای هزاره هفتم ق.م (مانند تپه سیلک کاشان، تپه زاغه قزوین، تپه حسنلوئی آذربایجان و غیره) نشان می‌دهد سازمان

اجتماعی - سیاسی مبتنی بر نظام قبیله‌ای مورد نظر المان سرویس (1958) با دوره یادشده قابل مقایسه است.

اعضای جوامع قبیله‌ای اغلب، زندگی خود را از راه چوپانی، باغبانی یا کشاورزی سپری می‌کنند؛ بنابراین برخی قبایل ممکن است چادرنشین باشند؛ درحالی که قبایل دیگر در روستاهای نیمه‌دایم و دایم زندگی کنند. جوامع قبیله‌ای دارای رهبری غیررسمی هستند و برخی از آن‌ها توسط «مردان بزرگ» رهبری می‌شوند که از جانب روستا برپاکننده جشن‌ها، هماهنگ‌کننده دفاع و نظارت‌کننده بر طرح‌های همیارانه هستند. تأثیر سیاسی مرد بزرگ به شخصیت درونی او بستگی دارد؛ اما این تأثیر سیاسی اغلب فراتر از یک روستا گسترش می‌یابد (Sahlins, 1963). همچنین، در برخی روستاها شواهدی مبنی بر ذخیره غذا (نظیر گودال‌ها و خمره‌های بسیار بزرگ ذخیره)، مظاهر دفاعی (دیوارها یا حفاظ‌ها) یا آیین‌ها (میدان‌ها و محوطه‌های رقص) مشاهده می‌شود. در اکثر محوطه‌های نوسنگی و مس سنگی ایران مانند تپه زاغه قزوین و تپه ارسطوی شهریار، هنوز خمره‌های ذخیره بزرگ مشاهده می‌شود.

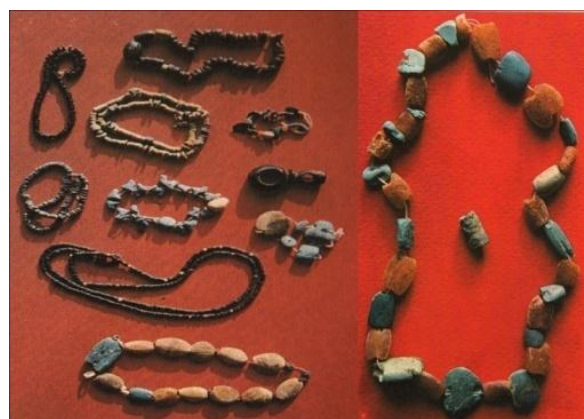
برای بررسی مبادله در دوره‌های پیش از تاریخی، پژوهش درباره مصنوعات نادر مانند فیروزه کمک شایانی می‌کند. برای مثال، در دوره روستانشینی آغازین در تپه موشکی فارس، 391 گوشواره قرقره‌شکل که اغلب آن‌ها گلی بودند، یافت شد. فراوانی زیاد این گوشواره‌ها، پرسش‌هایی را در ذهن برمی‌انگیزد که در صورت گوشواره بودن آن‌ها، آیا خود ساکنان محوطه از آن‌ها استفاده می‌کردند یا برای صادرات می‌ساختند. وجود اقلام نادر دیگری مثل افسیدین، صدف‌های دریایی از نوع صدف‌های دریای سرخ یا خلیج فارس (صدف دوکپه‌ای و خرمهره)، تعدادی مهره فیروزه و اشیای مسی می‌تواند تجارت جنوب ایران با مناطق شمالی و شرقی را تقویت کند (هول، 1381: 125).

7. شیوه‌های مبادله و تجارت در دوران نوسنگی و مس سنگی

در کشوری مانند ایران که اولین مکان شکل‌گیری روستاها بود، کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد مردمان روستانشین نمی‌توانستند فقط به تخصص‌های فردی خودشان تکیه کنند؛ بلکه آن‌ها باید نظام مبادله‌ای را ایجاد می‌کردند تا نیازهای گسترده مردمان کشاورز و دامدار را تأمین نمایند.

بنابراین، برپایه یافته‌های باستان‌شناسی در اکثر محوطه‌های نوسنگی و مس سنگی ایران، تولید نسبتاً به‌سوی تخصصی شدن گام برداشته بود و افرادی که در صنعت تولید سفال کار می‌کرده‌اند، احتمالاً سایر نیازهای زندگی‌شان را از راه مبادله سفال با غلات و غیره برطرف می‌کرده‌اند. اما در این مبادلات بی‌تردید، نظام متمرکز حمایتی وجود نداشته؛ بلکه از قواعد و هنجارهای برگرفته از ارزش‌های جامعه‌شان پیروی می‌کرده‌اند که عرف جامعه از آن حمایت می‌کرد.

یافته‌های باستان‌شناسی در تپه‌های این دوران در ایران کاملاً بیانگر گسترش تدریجی مبادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. برای مثال، در هزاره هفتم قبل از میلاد در دوره نوسنگی در تپه سیلک کاشان (گیرشمن، 1379) گردنبندهایی دارای عقیق و فیروزه استفاده می‌کردند که همین اقلام با صدها کیلومتر به سمت جنوب غربی در تپه علی‌کش دهلران (ر.ک: ملک شهمیرزادی، 1378) دیده می‌شود. با بررسی‌ای علمی می‌توان دریافت که در هیچ‌کدام از مناطق یادشده معادن فیروزه وجود ندارد؛ پس این جواهرات از کجا به دست این مردمان رسیده است؟ معادن فیروزه در منطقه نیشابور خراسان قرار دارد که در شمال شرقی‌ترین نقطه ایران است؛ بنابراین از چه راهی و با چه سازکاری این اقلام به جنوب غربی‌ترین نقطه ایران رسیده و حتی به منطقه آسیای صغیر در تپه چتل‌هویوک نیز راه یافته است؛ درحالی که در این دوره، حیوانات بارکشی مثل الاغ و اسب اهلی نشده بودند و گاو نیز در دوره مس سنگی در برخی مناطق در حال اهلی شدن بود. در ادامه، به این بحث خواهیم پرداخت.



شکل 11 گردنبندهایی از عقیق و فیروزه در محوطه چتل‌هویوک

مردمان نوسنگی ایران عقیق و فیروزه را درقبال دریافت اِبسیدین (شیشه طبیعی) مبادله می‌کردند که حاکی از قدیمی‌ترین سابقه تجارت در جهان است.

بر این اساس، چهار شیوه مبادلاتی و شاید تجاری را می‌توان ترسیم کرد که دست‌کم سه الگوی نخستین با اطمینان بیشتری در دوره یادشده در ایران رواج داشته است:

1. شیوه مبادلاتی ساده: در این شیوه، روستاییان چه داخل گروه خود و چه با روستاهای هم‌جوار نزدیک، به‌طور مستقیم مبادله می‌کردند و کالاهای (احتمالاً شامل ابزارهای سنگی، ظروف سنگی و سفالی، منسوجات، محصولات گوشتی، میوه، پنیر، ماست، نوشیدنی‌ها، داروها، نمک، محصولات دامی، پوست، عاج و...) مورد نیاز همدیگر را به‌صورت پایاپای ساده ردوبدل می‌کردند. در این نوع مبادله، حوزه‌های چرخش کالا محدود بود و روستاییان طی یک روز می‌توانستند آن‌ها را طی کنند.

2. مبادله خطی - کاهشی¹⁴ یا دست‌به‌دست: به‌احتمال زیاد، در طول دوره‌های نوسنگی و مس سنگی، مردمان خاور نزدیک بیشتر با این سبک از مبادله توانسته بودند حوزه فرهنگی بسیار همگونی را از آسیای مرکزی تا منطقه لوانت در شرق دریای مدیترانه تشکیل دهند. در این نوع مبادله، برخی تولیدات به فراسوی مناطق بومی برده می‌شد و مردم از دانش و آگاهی‌های مناطق دورتر استفاده می‌کردند. از سوی دیگر، نیازهای جدیدی نیز پدیدار می‌شد که علت آن، نوع پوشاک و کالاهایی بود که وارد روستاها می‌شد. البته، میزان توسعه‌یافتگی حوزه‌های فرهنگی‌ای که دارای پیشرفت‌های صنعتی دامی یا مالکان منابع خاص مانند اِبسیدین بودند، در مقایسه با روستاهای مصرف‌کننده محض، بیشتر بود. همین مسائل در اواخر دوران مس سنگی، به‌تدریج ایران را به‌سوی آغاز شهرنشینی سوق داد. درواقع، بین مس سنگی جدید ایران و بین‌النهرین دوره عبید رقابت نزدیکی وجود داشت؛ به‌گونه‌ای که دشوار است تشخیص دهیم که در کدام‌یک از مناطق، عنصر پیچیدگی اجتماعی و تجارت زودتر به‌وقوع پیوسته است. البته، نقش منطقه لوانت و آسیای صغیر در ایجاد شهرنشینی، کمتر از مناطق دیگر نبوده است.

مبادله خطی - کاهشی به این صورت انجام می‌شد که مثلاً روستای «الف» از روستای «ب» نمک دریافت می‌کرد و به جایش ابزار سنگی اِبسیدینی به آن می‌داد و روستای «ب» آن را به روستای «ج» می‌داد و درمقابل کالای دیگری می‌گرفت؛ بنابراین در این مبادله بُرد با کالاهایی

بود که در دیگر مناطق وجود نداشت. پس در دوره نوسنگی، افسیدنی‌هایی که از حوزه وان ترکیه توسط مردمان این دوره - احتمالاً مردمان محوطه‌هایی مانند چتل هویوک - استخراج می‌شد، از طریق نظام مبادلاتی خطی - کاهشی در طول مسیرهای مشخصی توزیع و تجارت می‌شد. برای مثال، در مسیر شمال غربی تا جنوب غربی تداوم می‌یافت و تا محوطه باستانی علی‌کش در دهلران ایران می‌رسید. بنابراین، هرچه از مبدأ دور می‌شد، کاهش چشم‌گیری می‌یافت. در این نظام اقتصادی، اقلام بیش از افراد سفر می‌کردند؛ پس افراد کمتر به خارج از قلمرو خود می‌رفتند. صدف‌های اقیانوس هند در هزاره پنجم قبل از میلاد بیش از 1500 کیلومتر تا سوریه راه پیموده؛ مثلاً صدف نوع خلیج فارس در دوره مس سنگی تپه ارسطوی شهریار به‌دست آمده است (پورفرج، 1390).

در این شیوه، هرچه کالا از منشأ خود دورتر می‌شد، ارزش بیشتری پیدا می‌کرد. اقلامی که از مسافت‌های دورتری حمل می‌شد، ارزش آیینی یا کاربردی خاصی داشت. بنابراین، فیروزه، عقیق و غیره که در دوره نوسنگی ایران یافت می‌شود، در شمار کالاهای شأن‌زا نیز بوده است. حتی یک شیء کاملاً مادی مانند نوع خاصی از سنگ چخماق و اشیائی از صدف‌های زیبا، با توجه به دور بودن منشأ آن‌ها، ارزشی خاص پیدا می‌کرده است. مهره‌های ساخته‌شده از صدف نوع خلیج فارس در محوطه‌های شمال ایران از آن نوع بود. با کشف فلز مس و ساخت سوزن‌ها، درفش‌ها و مهره‌های شمارشی از آن، تجارت فلز نیز به‌طور محدود جزء اقلام تجاری قرار گرفت. در این دوره، بیشتر مس را به‌صورت چکش‌کاری سرد استفاده می‌کردند (ر.ک: گیرشمن، 1379).

3. مبادله با واسطه: در نظام مبادلاتی سوم، بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واسطه‌ها یا به‌نوعی تاجران قرار می‌گرفتند که از روستایی به روستای دیگر می‌رفتند و کالاهای خود را عرضه می‌کردند. در این نوع مبادله، بین نیاز مشتری و میزان رضایت وی از محصولات تولیدکننده ارتباط برقرار می‌شد. درواقع، نقش واسطه سفارش گرفتن کالا از مصرف‌کننده و عرضه آن به تولیدکننده بود. البته تا دو دهه پیش، واسطه‌ها در اکثر مناطق کشورمان باعنوان دوره‌گردها وجود داشتند. این افراد در میان مردمان روستاهای آذربایجان به‌نام «چرچی» مصطلح شده بودند.

4. در مدل چهارم که تقریباً شبیه به اتاق بازرگانی در مناطق مختلف است، صنعتگران با حضور در مناطق و روستاهای دیگر و با استفاده از مواد خام همان مناطق، به تولید کالاهای مورد نیاز جامعه بومی می‌پرداختند و واسطه تجاری با منطقه خود نیز بودند. این افراد معمولاً نمایندگان دولت بودند که بر مسیرهای تجاری و رفع مشکلات تجاری جاده نیز نظارت می‌کردند. این شیوه ممکن نبود در دوره نوسنگی رایج باشد؛ زیرا تاجران نیازمند امنیت و حفظ جان و مال خود بودند؛ درحالی که در جامعه بدون طبقه نوسنگی این امکانات امنیتی وجود نداشته است (ر.ک: مک کارتر، 1390).

8. ظروف موسوم به چشمه‌علی و تجارت

تجارت در میان مردمان دوره نوسنگی خاور نزدیک به‌ویژه ایران کاملاً اثبات شده است. از اقلامی که می‌توان درمورد آن‌ها لفظ «تجارت» را به‌کار برد، عبارت‌اند از: عقیق، فیروزه، ابسیدین، صدف، البسه، لبنیات، پیکرک‌های گلین به‌خصوص درمورد الهه‌های مادر و ظروف سفالین. ظروف سفالین دوره نوسنگی ایران هم به‌لحاظ ایده تولید و هم از نظر نقش‌ونگار از شهرت جهانی برخوردارند.



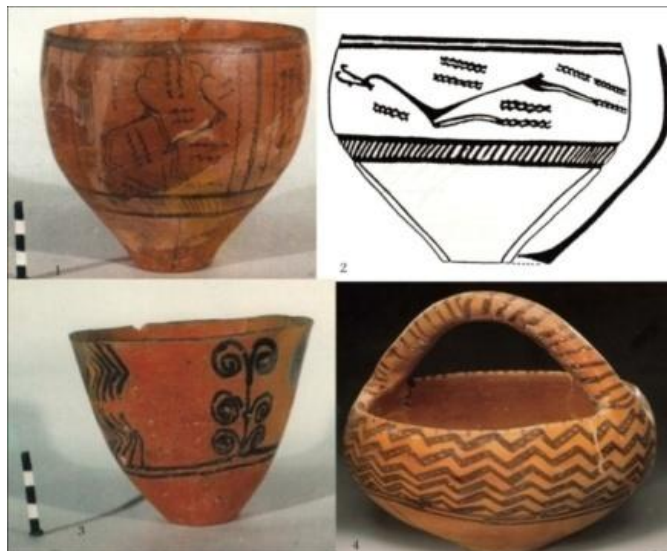
شکل 12 نمونه‌هایی از الهه‌های مادر که سمبل حاصل‌خیزی و برکت بوده‌اند:

1. ونوس سراب کرمانشاه، 2. ترکمنستان، چغامیش خوزستان و تپه زاغه قزوین

مورد نظر و تولید سفال‌ها و سایر مصنوعات در همان‌جا را نیز باید از فرض‌های مهم پنداشت.



شکل 13 یکی از مسیرهای احتمالی تجارت ظروف چشمه‌علی در هزاره ششم ق.م.



شکل 14 ظروف موسوم به چشمه‌علی از محوطه چشمه‌علی شهر ری تهران

در مرحله بعد، یعنی سیلک III که بعد از فرهنگ چشمه‌علی رواج پیدا کرد، همین مسیر تجاری با ظروف جدیدتر و سبک هنری متفاوت‌تری ادامه یافت؛ اما به دلیل حرکت جوامع مس سنگی جدید ایران به طرف پیچیدگی و آغاز شهرنشینی، مسیرهای جدیدی نیز تعریف شد.

9. تجارت ابسیدین

در این بخش آنچه درباره ماده طبیعی ابسیدین و چگونگی حرکت آن از دوازده هزار سال قبل در خاور نزدیک گفته می‌شود، بسیار شبیه به الگوی تجارت جهانی مدرن است که در یک خط مستقیم، مسیری بالغ بر 3 هزار کیلومتر را پیموده و به دست کشاورزان سراسر خاور نزدیک رسیده است. ابسیدین شیشه آتشفشانی در طیف خاکستری روشن تا سیاه است که بر اثر سرد شدن سریع مواد مذاب سلیکا و ریولیت شکل می‌گیرد و خاصیت ابزارسازی زیادی دارد. مذاب‌های ریولیت شامل 70-75 درصد سلیکا و 10-15 درصد آلومینیم هستند (Dillian Et al., 2010). در دوران پیش از تاریخ، هیچ ابزار برنده و تیزی بهتر از ابسیدین، برای ساخت تیغه‌ها، چاقوها و داس‌ها وجود نداشت. ابسیدین ماده‌ای سودمند و کارکردی به‌شمار می‌رفت؛

اما حیاتی نبود؛ زیرا بشر از هزاران سال قبل با ابزارهای ساخته‌شده از سنگ چخماق و چرت نیازهایش را برآورده کرده بود. بنابراین، ابسیدین سنگ معمولی نبود؛ بلکه سمبلی برای تمایز پایگاه اجتماعی نیز به‌شمار می‌رفت.

اصلی‌ترین معادن شناخته‌شده برای ابسیدین‌های دوره نوسنگی ایران، معادن حوزه دریاچه وان (معدن بینگول) است؛ بنابراین بدون وجود شبکه‌های تجاری یا دست‌کم سازکارهایی مرتبط با مبادلات فرامنطقه‌ای از طرف افراد خبره، انتقال این ماده طبیعی در طول مسیری بالغ بر هزار کیلومتر، بسیار بعید به‌نظر می‌رسد (رفیع‌فر، 1370; Renfrew, 1997). از طرف دیگر، وجود شبکه‌های تجاری در جوامع نوسنگی ایران که شرایط لازم برای جوامع پیچیده و نظام اجتماعی حاکمیتی را ندارد، تأمل‌برانگیز است.

مبادله خطی - کاهشی احتمالاً سازکار رایج برای انتقال ابسیدین در دوران نوسنگی و مس سنگی خاور نزدیک بوده است که نوعی از شبکه‌های مبادلاتی غیررسمی به‌شمار می‌آید. در نظام مبادله خطی - کاهشی، بیشتر، مواد خام و معدنی به‌صورت هم‌جواری مکانی توسعه می‌یافت. در شبکه‌های متمرکز، به ارتباط شخصی و تعامل چهره‌به‌چهره نیاز نبوده است (Dillian Et al., 2010). در این شیوه، ممکن است یک شیء ابسیدینی بین چندین مالک و خریدار در یک سفر قاره‌ای جابه‌جا شود؛ اما انتقال آن بسیار آهسته‌تر از مبادله مستقیم خواهد بود. اشیا ممکن است وارد جامعه شده، سپس در الگویی نسبتاً تصادفی دوباره از آن خارج شوند. شاید بین تولیدکننده اصلی شیء ابسیدینی تا مصرف‌کننده نهایی آن بیش از صد سال یا چندین نسل فاصله باشد. البته، می‌توان جوامع شکارگر و حتی دامدار غیریکجانشین را نیز در جریان مبادلات دخیل دانست که در طول مسیر کوچ، این مواد را درقبال محصولات کشاورزی با روستاییان مبادله می‌کرده‌اند. امروزه، به نقش کوچ‌روها در ایجاد تمدن بسیار توجه شده است (Crib, 2004). چنان‌که گفته شد، در این نوع مبادله هرچه از منبع یا منابع دورتر می‌شویم، از کمیت اقلام تجاری کاسته و بر قیمت و ارزش آن افزوده می‌شود. یافته‌های باستان‌شناسی خاور نزدیک این موضوع را تأیید می‌کند (Renfrew, 1977). در مناطق شمال عراق و شمال غرب ایران به‌ویژه حوزه دریاچه ارومیه مانند حسنلو و حاجی‌فیروز (Voight, 1983) هم کمیت و هم تنوع اشیای ابسیدینی زیاد است که به‌دلیل نزدیکی به منابع ابسیدین حوزه دریاچه وان ترکیه است. درمورد تنوع اقلام ابسیدینی و نزدیکی به معادن، محوطه

ارپاچیه در نزدیکی موصل عراق (Mallowan, 1965: 1) نمونه خوبی خواهد بود. در ارپاچیه، مقادیر فراوانی ابسیدین از جمله یک گردن‌بند، هزاران تیغه، چاقو و غیره همراه با تراشه‌ها به دست آمده که با توجه به کم‌یاب بودن سنگ ابسیدین، این تعداد در مقایسه با محوطه‌های دیگر، بسیار زیاد بوده است.

داده‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد تجارت محوطه‌های ایرانی و سایر مناطق خاور نزدیک با روستاهای هم‌جوار منابع ابسیدین درآمد بسیاری را نصیب آن‌ها کرد و مراحل توسعه و پیچیدگی در این روستاها به سرعت طی شد و به مرحله قصبه‌نشینی که واسط روستا و شهر است، ارتقا یافتند. چتل‌هویوک¹⁵ در نزدیکی قونیۀ ترکیه یکی از آن‌ها بود. بازارهای مردمان چتل‌هویوک ایران، بین‌النهرین و منطقه لوانت بوده است. چتل‌هویوک جمعیتی حدود 4 تا 6 هزار نفر داشت که بزرگ‌ترین استقرارها در زمان خود بود و به پرورش گندم و جو، گوسفند و بز، و همچنین تجارت ابسیدین می‌پرداخت. در این محوطه، به سبب تجارت، زیباترین ابزارها و همچنین کالاهای وارداتی از ایران مانند فیروزه و عقیق مشاهده می‌شود که احتمالاً از محوطه‌هایی مانند سیلک کاشان و سنگ چخماق دامغان صادر می‌شده است.



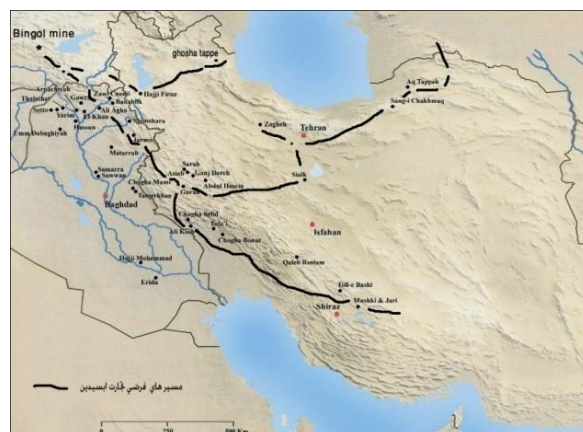
شکل 15 چاقوی بسیار زیبا از چتل‌هویوک ترکیه

علت پیشرفت این محوطه، تجارت با مناطق دوردست بوده است. برخی استقرارها مانند سیلک کاشان منابع طبیعی مانند صدف یا سنگ ابسیدین نداشتند؛ ولی دارای متخصصانی بودند که در ابزارسازی، سفالگری یا دباغی مهارت خاصی داشتند و محصولات را جهت صادرات تولید می‌کردند. تجارت نمک به دلیل استفاده از گوشت حیوانات وحشی زیاد مورد نیاز مردمان پارینه‌سنگی نبود؛ اما در دوره نوسنگی با توجه نوع زندگی، تجارت نمک رواج پیدا کرد (Smith, 2009).

با حرکت به سمت جنوب، در محوطه جارمو، در کردستان عراق شاهد افزایش چشم‌گیری در استفاده از ابسیدین هستیم. در این دوره 75 درصد تیغه‌ها در جارمو از ابسیدین ساخته شده‌اند. اما با ادامه مسیر به طرف زاگرس مرکزی در همین زمان، ابسیدین استفاده‌شده در تپه سراب کرمانشاه در 235 کیلومتری جنوب جارمو، به‌طور محسوسی کمتر از همسایه شمالی خود بوده است. در تپه سراب فقط 1/7 درصد کل ابزار از ابسیدین ساخته شده که منابع آن‌ها نمرود داغ و بینگول (با 650 کیلومتر فاصله) بوده است. لایه‌های O، P و N در تپه گوران دره هلیلان لرستان - که متعلق به همین دوره است - به‌ترتیب 22، 45 و 20 درصد ابسیدین در مجموع ادوات خود داشته‌اند. تپه گوران در مقایسه با تپه سراب حدود 60 کیلومتر دورتر به معادن ابسیدین قرار گرفته است (رفیع‌فر، 1370: 20-21). در ادامه مسیر به سمت جنوب در منطقه دهلران در لایه‌های هم‌زمان محوطه علی‌کش که با تپه آسیاب کرمانشاه هم‌دوره است، نشانه‌هایی از سلسله‌تحولات مهم از وضعیت ابسیدین به چشم می‌خورد که نسبتاً زیاد است؛ اما در مقایسه با محوطه‌های شمالی زاگرس بسیار اندک است. از نظر کمیت، فقط بیش از 1 تا 2 درصد کل مواد اولیه مورد استفاده در صنایع سنگی این محل را ابسیدین تشکیل می‌دهد؛ ولی با توجه به مسافت بین معادن ترکیه و برخی محوطه‌های ایران که حدود 850 تا 900 کیلومتر تعیین شده است و مقایسه با محل‌های هم‌دوره و نزدیک‌تر به معادن یادشده، این رقم برای دهلران حایز اهمیت است (همان، 18). بنابراین، شیوه توزیع بیانگر الگوی خطی - کاهشی است که روستاهای نزدیک معادن ابسیدین با ابسیدین بیشتر و روستاهای دور از آن با درصد کمتر گزارش شده‌اند. باوجود این، ابسیدین اناتولیایی تا 600 مایل دورتر تجارت شده و ابسیدین نوع قفقازی تا بحرین در خلیج فارس و از طریق قطر تا شبه‌جزیره عربستان رسیده است. مصری‌ها نیز از ابسیدین با منشأ عربی و منبع دیگری در نزدیکی اتیوپی بهره برده‌اند. در عصر مفرغ نیز تجارت ابسیدین رواج یافت؛ هرچند ابزارهای مسی و مفرغی نیز گسترش یافته بود. استفاده از آهن موجب کاهش چشم‌گیر تجارت ابسیدین شد و در برخی مناطق، به‌عنوان ماده‌ای برای تولیدات هنری به کار می‌رفت؛ مثلاً مصری‌ها میزهای کوچک زیبایی از آن ساختند (Smith, 2009).



شکل 16 ابزارهای ساخته شده از ابسیدین



شکل 17 مسیرهای احتمالی تجارت ابسیدین

در راستای تجارت ابسیدین، مردمان نوسنگی خاور نزدیک اولین علایم شمارشی را ابداع کردند و تقریباً در تمام محوطه‌ها، علایم شمارشی به دست آمده است. اما مهم‌ترین ابداع بشر در خاور نزدیک

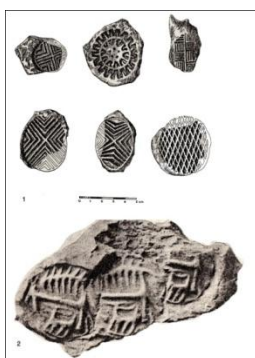
شیوه‌های مبادله و تجارت در جوامع نوسنگی ... اکبر پورفرج

که مستقیماً بر تجارت دلالت می‌کرد، مهر بود. این مهرها در ابتدا به‌صورت استامپی بود و از سنگ و سفال ساخته می‌شد. شریک اصلی تجاری ایران در این دوره، مردمان آسیای مرکزی بودند که به‌دلیل نزدیکی به معادن سنگ افسیدین (شیشه معدنی)، تا عصر مفرغ اهمیت تجاری خود را حفظ کردند.



شکل 18 قدیمی‌ترین مهر تجاری از چتل هویوک ترکیه

از این مهر برای تجارت افسیدین درمقابل اشیای مختلف ازجمله فیروزه ایران استفاده می‌شده است. مردمان مس سنگی جدید فلات ایران الفبای تجارت را کامل کرده و بسیاری از بازارهای تجاری و معادن مهم مورد علاقه آن بازارها را شناسایی کرده بودند. برای اولین بار مهره لاجورد در سیلک III به‌صورت یک تپله سوراخ مشاهده شد که بعدها مهم‌ترین اقلام تجاری تمدن‌های سومر و عیلام شد؛ بنابراین با گسترش تجارت، مهرهای تجاری در سراسر ایران رواج پیدا کرد.



شکل 19 اثر مهرهای تجاری از سیلک III کاشان (1) و گوی تپه آذربایجان غربی (2)

مردم عصر مس سنگی در تجارت کالاها دچار مشکل بی‌هویتی و ناتوانی در درک اصالت کالاهای مبدأ و مقصد بودند. این مشکلات موجب سوء استفاده‌های احتمالی واسطه‌ها می‌شد و مردم و صنعتگران را آزار می‌داد؛ از این رو به مهر و موم کردن و امضای اسناد خود روی آوردند؛ همین امر موجب رواج نشان‌های تجاری شد؛ به‌ویژه می‌توان ادعا کرد که اولین برندهای صنعتی جهان در پی این اقدامات به‌وجود آمد. برای مثال، در مرحله هفتم سیلک دوره سوم، اولین مهر کشف شد؛ اما رواج آن از دوره چهارم سیلک سوم بوده است. مهرهای این دوره از ایران مسطح هستند و برخی از آن‌ها زائده کوچک دسته‌مانند در پشت خود دارند که جهت مهر و آویزان کردن از آن استفاده می‌کردند. این شکل خاص مهر و کاربرد آن تا امروز هم ادامه یافته است.

البته، بسیار قبل از مهرهای تجاری، اشیای شمارشی و ژتون‌ها نخستین ابزار برای ثبت محاسبات در دوران پیش از تاریخ بوده‌اند که تحول آن‌ها به ابداع گل‌نوشته‌های اولیه‌ای منجر شد که روی آن‌ها نشانه‌هایی که شامل اعداد می‌شد، کنده شده بود و بعدها به خط تصویری تبدیل شد. ژتون‌ها که نخستین وسیله برای ثبت اعداد و محاسبه امور اقتصادی بوده‌اند، احتمالاً حدود 8000 سال ق.م در خاور نزدیک برای دادوستد و ثبت محاسبات، پیش از ابداع خط، به‌وجود آمده‌اند (ر.ک: هژبری نوبری، 1383). این ابداع ساده در دوره پیش از تاریخ، راه ارتباطی تازه‌ای برای انتقال اطلاعات گشود که در روابط اجتماعی و اقتصادی انسان بسیار تأثیر گذاشت: موجب به‌وجود آمدن نوشتار اولیه شد؛ سبب ابداع اعداد و محاسبه و پایه ریاضیات شد؛ سرانجام، محاسبه با این اشیای گلی الگوهای اقتصادی جدیدی را در جامعه ایجاد کرد (اکبری و حصاری، 1383: 30-31).



شکل 20 اشیای شمارشی از تپه زاغه قزوین (2) و اشیای شمارشی از تپه ارسطوی شهریار (3)
نمونه‌های دیگری از اشیای شمارشی در قوشا تپه اردبیل (1)

10. نتیجه

در این مقاله، در پی مسئله تولید و مازاد محصول و تأثیر آن بر شکل‌گیری اولین مبادلات رسمی و تجاری در جهان بودیم. دوره نوسنگی خاور نزدیک و ایران دارای بیشترین اختراع و نوآوری در جهان بوده است که از اختراع سفال و چرخ تا کشف فلز و معماری را شامل می‌شود. زندگی یکجانشینی مبتنی بر کشاورزی و دامداری موجب افزایش تولید و خلق نیازهای جدیدی شد که از طریق گروه‌ها یا جامعه دیگر باید تأمین می‌شد. شیوه برآوردن نیازهای فراگروهی، مبادله و تجارت بود که پایه‌های آن در دوران نوسنگی و مس سنگی قرار داشت. جدا از مبادلات انواع محصولات کشاورزی، دامی و صنعتی، مهم‌ترین اقلام تجاری دوره نوسنگی فیروزه، ظروف، صدف و غیره بود که درمورد اسیدین و مسیر تجاری این ماده از آسیای صغیر تا جنوبی‌ترین مناطق ایران بحث کرده، شیوه مبادله آن را خطی - کاهشی فرض کردیم. در ادامه، تجارت اولیه نوسنگی ایران به قدری گسترده و توأم با پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی شد که در نهایت به جوامع خان‌سالار و سپس حکومت تبدیل شد. البته، این حرکت از مس سنگی جدید با شتاب بیشتری تداوم یافت. برخی قصبه‌های این دوران به شرکای تجاری خود نیز حمله‌ور شدند و آن‌ها را مستعمره خود کردند. برای مثال، مردمان شوش به قصبه سیلک III حمله و آن را تسخیر کردند و مستعمره تجاری خود را در سیلک IV بنیان نهادند که همان مردمان تجارت‌پیشه آغاز عیلامی بودند. از این دوره مهرهای تجاری ارزشمندی به دست آمده که نوید رسمی شدن تجارت را می‌داد. برای مثال، در دوره M گوی تپه آذربایجان که تقریباً هم‌زمان سیلک III است، نقش مهر مزین به نقوش حیوانی به دست آمده که تقریباً هم‌زمان با نقش مهرهای سیلک هندسی بودند (شکل 19).

پی‌نوشت‌ها

1. economics
2. neolithic
3. قدیمی‌ترین شواهد اهلی شدن بز در ایران، با قدمت 10 هزار سال، در تپه گنج‌دره کرمانشاه است.
4. substantivism
5. formalism

6. البته نظام‌های اقتصادی مبتنی بر عرضه و تقاضا نه به معنای امروزی، ولی در شیوه شبیه به آن در طول انقلاب شهرنشینی ایران رخ داده که از حوصله این مقاله خارج است.
7. exchange
8. در زبان ترکی نیز دقیقاً از دو جزء تشکیل شده که به دلیل شباهت نزدیک درخور تأمل است که عبارت است از: «آلیش وریش» که آلیش یعنی گرفتن و وریش یعنی دادن.
9. reciprocity
10. البته برخی منابع به غلط مبادله پایاپای (barter) را مترادف گرفته‌اند که این دو تفاوت اساسی دارند.
11. redistribution
12. market exchange
13. در این مورد مکتب اسلام نظری دیگر دارد که فرصت پرداختن به آن در این مقاله نیست.
14. down-the-line system
15. Catal Huyuk

منابع

- اکبری، حسن و مرتضی حصارى (1383). «پیدایش نگارش در ایران»، *مطالعات ایرانی*. مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، س 3، ش 6، صص 27-46.
- بریدوود، رابرت (1363). *انسان‌های پیش از تاریخ*. ترجمه اسماعیل مینوفر. تهران: جیران.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ (1387). *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- پورفرج، اکبر (1390). «گزارش اولین فصل حفاری‌های تپه ارسطوی صفادشت ملارد». پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- چایچی امیرخیز، احمد (1387). *منشأیابی و تحلیل الگوی پراکنش دست‌ساخته‌های پیش از تاریخی ابسیدینی در شرق دریاچه ارومیه*. رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران. تهران.
- چایلد، گوردون (1357). *انسان خود را می‌سازد*. ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل‌اتائی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین (1370). «رواج ابسیدین و کهن‌ترین تبادلات فرهنگی - تکنولوژیکی آن در ایران». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. س 5، ش 2، صص 14-25.
- _____ (1374). «تأملی در خاستگاه جامعه روستایی». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. س 10، ش 1، صص 18-24.

شیوه‌های مبادله و تجارت در جوامع نوسنگی ... اکبر پورفرج

- دارک، کن. آر (1379). *مبانی نظری باستان‌شناسی*. ترجمه کامیار عبدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دماریس، الیزابت (1390). «باستان‌شناسی کل‌گرا/ بافت‌گرا» در *مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی*. کالین رنفریو و پل بان. ترجمه پورفرج و عدیلی. تهران: سمیرا.
- سیدسجادی، سیدمنصور (1384). *نخستین شهرهای فلات ایران*. ج 1. تهران: سمت.
- طلائی، حسن (1387). *عصر مفرغ ایران*. تهران: سمت.
- علیزاده، عباس (1375). «نیاکان من اینجا دفن شده‌اند: خانواده هسته‌ای و تحول مالکیت ارضی». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. س 10. ش 20. صص 4-8.
- _____ (1383). *منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه*. ترجمه کوروش روستایی. بنیاد پژوهش پارسه - پاسارگاد.
- فدیر، لویس (1373). *خودآموز اقتصاد*. ترجمه فیروزه خلعت‌بری. تهران: شباویز.
- گیرشمن، رومن (1379). *سیلک کاشان*. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مک کارتر، اس. اف (1390). *نوسنگی*. ترجمه حجت دارابی و جواد حسین‌زاده. تهران: سمیرا.
- ملک شه‌میرزادی، صادق (1374). «گاهنگاری پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران: دوران نوسنگی تا آغاز شهرنشینی». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. س 9. ش 2. صص 2-19.
- _____ (1378). *ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سیه‌دم شهرنشینی*. تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری نوبری، علیرضا (1383). «گزارش‌های باستان‌شناسی فصل دوم حفاری‌های شهریری اردبیل». پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- هژبری نوبری، علیرضا و اکبر پورفرج (1385). «تبیین دوران نوسنگی و کالکولیتیک منطقه اردبیل براساس داده‌های باستان‌شناسی قوشاتپه شهریری». *مجله پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش 2. صص 1-27.
- هول، فرانک (1381). *باستان‌شناسی غرب ایران*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت.

- Abdi, K. (2004). "Obsidian in Iran from the Epipaleolithic Period to the Bronze Age". *Bochum*. 28 November 2004 to 29 May 2005. Pp. 148- 153.
- Braidwood, L.S. Et al. (1983). *Prehistory Archaeology Along the Zagros Flanks*. Chicago.
- Cribb, R. (2004). *Nomad in Archaeology*. Cambridge University Press.
- Davidson, T.E. & H. Mckerrell (1976). "Pottery Analysis and Halaf Period Trade in the Khabur Headwaters Region". *Iraq*. Vol. 38. No. 1.
- Dillian, D. & C.L. White (2010). *Trade and Exchange: Archaeological Studies from History and Prehistory*. Springer.
- Dittmann, R. (1986). "Susa in the Proto-Elamite Periode and Annototions on the Painted Pottery of Proto-Elamite Khuzestan, in Gamdat Nasr Period or Regional Style?". *Wiesbaden: Beihefte zum Tübinger Atlas des vorderen Orients*.
- Godelier, M. (1984). *Un Domaine Conteste: L'anthropologie Economique*. Paris: Mouton.
- Hughes, R.E. (1978). "Aspects of Prehistoric Wiyot Exchange and Social Ranking". *Journal of Anthropology*. No. 5 (1). Pp. 53- 66.
- Malinowski, B. (1963). *Les Argonautes du Pacifique Occidental*. Paris: Gallimard.
- Mallowan, M.E.L. (1965). "The Mechanics of Ancient Trade in Western Asia". *Iran*. Vol. III.
- Mellaart, J. (1975). *The Neolithic of Near East*. London.
- Moller, A. (2000). *Naukratis: Trade in Archaic Greece*. Oxford University Press.
- Polanyi, K. & C. Arensberg (1975). *Les Systems Economiques Dans L'histoire et Dans la Theorie*. Larousse.
- Polanyi, K. (2001). *The Great Transformation*. Beacon Press.

- Pullar, J. (1990). *Teppe Abdol Hosein a Neolithic Site in Western Iran, the excavation of 1978*. Oxford, Bar International Series.
- Renfrew, C., J.E. Dixon & J.R. Cann (1966). "Obsidian and Early Culture Contact in the Near East". *Proceeding of the Prehistoric Society*. No. 32.
- Renfrew, C. & P. Bahn (2001). *Archaeology: Theories Methods and Practice*. 3rd Ed. Hudson.
- _____ (2008). *Archeology: Theories, Methods and Practice*. 4th Ed. London: Thames and Hudson.
- Renfrew, C. (1970). "Tell Shimshara and Traffic in Obsidian, Tell Shimshara". *Kobenhavn: Munksgaard*.
- Renfrew, C. (1975). *Trade as Action at a Distance: Questions of Integration and Communication in Ancient Civilization and Trade*. Jeremy Sabloff and C.C. Lamberg Karlovsky (Eds.). Albuquerque: University of New Mexico Press.
- Renfrew, C. (1977). "The Later Obsidian of Deh Luran: The Evidence of Chagha Sefid" in F. Hole (Ed.). *Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain. Memoir No. 1*. Ann Arbor: University of Michigan Museum of Anthrology.
- Renfrew, C. (1984). *Approaches to Social Archaeology*. Cambridge: Harvard University Press.
- Sahlins & Marshall (1968). *Tribesman*. Englewood Cliffs (NT): Prentice-Hall, Inc.
- Smith, A. (1976). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. Chicago: University of Chicago Press.
- Smith, R.L. (2009). *Premodern Trade in World History*. London: Routledge.
- Voight, M.M. (1983). *Haji Firouz Tepe the Neolithic Settlement*. The University Museum, University of Pennsylvania.